

# مبارزان کمونئیست

www.mobarez-k.com

## ستون اول نسان نودینیان



### هراس جمهوری اسلامی و سایت تابناک از جنبش توده ای علیه اعدام!

امروز دیگر اعتراض به اعدام در خفا انجام نمیشود. سال ها بود که مردم ایران در خفا، در محافل خانوادگی بشکل گسترده ای و غیر علنی تنفر و انزجار از کل حاکمیت جمهوری اسلامی و بویژه اعدام را ابراز میکردند. در چند سال گذشته این فضا عوض شده. خودآگاهی سیاسی جامعه، اعتراضات کوبنده، اقدامات بسیار موثر و مفید کمپین های اعتراضی در اشکال مختلف در چند سال گذشته، فعالیتهای لابیستی فعالین کمپین علیه اعدام و سنگسار برای جلب افکار عمومی کانون و نهادهای انسانی و مخالف اعدام، هزاران تظاهرات و اعتراضات کوبنده در خارج از کشور، مواد و مطالبات قطعنامه های اول ماه مه ها توسط کارگران علیه اعدام، اعتصاب عمومی مردم کردستان علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین مادران پارک لاله و ده ها اقدام اعتراضی و حضور طیف وسیعی از روشنفکران و وکلای مبارز و انساندوست در دفاع از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام، به بار نشسته. و اینبار ما شاهد اعتراضات کوبنده در کشورهای همجوار ایران هستیم. نمونه اعتراضات مردم انقلابی و مبارز شهرهای افغانستان علیه جمهوری اسلامی با حمل ده ها پلاکارد از تصاویر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و محکومیت احکام اعدام توسط آنها، به صحنه سیاست خودآگاهانه جامعه تصویر متفاوت دیگری داده است. مردم انقلابی افغانستان با ابتکارات و اعتراضات خود مبارزه مردم و جامعه در ایران را بگ قدم جلو بردند. و دیروز در سلیمانیه با ابتکار فعالین مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی انسانیت و دفاع از حرمت انسان در مقابل قتل عمد دولتی و اعدام که روزانه توسط رژیم جنایتکار اسلامی اعمال میشود، بشریت در دفاع از خود و کرامت انسانی اش با قامتی بلند و افتخار آفرین ایستاد. تظاهرات و راه پیمایی مردم سلیمانیه و مهاجرین ایرانی ساکن این شهر هراس جمهوری اسلامی و سایت تابناک را افزایش داده است. اینها ناتوان و درمانده از دیدن تظاهرات مردم شهرها در افغانستان و کردستان عراق، راه چاره را در تحت فشار گذاشتن احزاب حاکم در کردستان عراق دیده اند. و به بهانه متضاد بودن ارقام شرکت کنندگان زبونی و هراس خود را عملاً به جامعه نشان داده اند. ظاهراً سایت "پیمانیر" بجای شرکت صدها نفر در تظاهرات و راه پیمایی علیه اعدام، شرکت هزاران نفر را منتشر کرده است، و این در حالی است که در این سایت در بخشهای کردی و عربی از شرکت صدها نفر اطلاع داده شده است.

جمهوری اسلامی و محسن رضایی جنایتکار در سی سال گذشته هر چه در قدرت و توانشان بود با سرکوب، اعدام و زندانی انجام دادند. دستگاه جنایت و اعدام اینها هنوز از ما قربانی میگیرند، میخواهند کل جامعه را مرعوب کنند، میخواهند فضای سرکوب دهه ۶۰ را بر صحنه سیاسی جامعه پهن کنند. اینها برای این اعمال کثیف و ضد انسانی ناکام شده اند. جنگ و دعوای اینها بر سر ارقام صدها یا هزاران اوج استیصال شان را به نمایش میگذارد.

هراس رژیم اسلامی از بالاگرفتن موج اعتراضات مردم است! رژیم

سر دبیر:  
اسد نودینیان

Tel:0046707583441

(شماره 20)

سه شنبه 6 آبان یکپهرازو سصد و هشتاد و نو

info1@mobarez-k.com

مصاحبه نشریه مبارزات کمونیست با مجید حسینی

جمهوری اسلامی در اعتراضات سال 1388 جان بدر برد،  
سرنگونی آن هنوز در دستور است.  
بخش 1، بخش 2 در صفحه 4

مصاحبه نشریه مبارزات کمونیست با مجید حسینی

جمهوری اسلامی در اعتراضات سال 1388 جان بدر برد،  
سرنگونی آن هنوز در دستور است.  
بخش سوم

مبارزان کمونیست: منظور از عقب تر بودن نیروهای سیاسی چپ ایران از تحركات توده ای چیست؟

مجید حسینی: منظور از عقب تر بودن نیروهای سیاسی، آگاه تر دانستن توده های مردم از این نیروها نیست. تعریف دو قطبی از رابطه توده ها و جریانات سیاسی مورد نظر نیست. مسئله بیان ضعف سیاسی احزاب در شناخت از جنبش اعتراضی، ارزیابی نادرست از امکانات و محدودیتهای خود و نحوه دخالتگری در جریان آن تحركات قدرتمند توده ای و بعد از آن است. جامعه ایران تلاطم های مهمی را از سر گذراند و در جریان آن نیروهای سیاسی می توانستند موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی خود را تحکیم کنند. از ادعا ها و بحث های علی العموم برنامه ای و سیاسی و تبلیغی احزاب و قضاوت آنها نسبت به خود بگذریم، در جریان آن تحولات هیچ نیروئی نتوانست خود را با خواست و مطالبه ای سیاسی و اجتماعی آنچنان پیوند دهد که در

بقیه در صفحه 3

## در این شماره همچنین میخوانید:



شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام است.  
مبارزان کمونیست:  
صفحه 9

لیست احزاب، نهادها و فعالین سیاسی که تا این لحظه برای تظاهرات ۲۹  
ژانویه فراخوان داده اند:  
صفحه 9

لیست تظاهراتهای 29 ژانویه صفحه 8

تونس راه نشان داد!

اسد نودینیان

[nodinyan.asad@yahoo.se](mailto:nodinyan.asad@yahoo.se)

صفحه 2



رژیم سرمایه اسلامی مسبب جابختن 4 معدنچی ( اسد نودینیان ) صفحه 6

اساس سوسیالیسم انسان است . سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است (منصور حکمت)



اسلامی از تحریکات کارگری، دانشجویی و جنبش زنان و جوانان در هراس است! میزند تا به خیال خودش اقتدارش را اعلام کند! میکشد تا فضای ارباب بسازد! سنگسار میکند تا ناتوانی و ضعفش را پنهان کند!

پاسخ ما اما همدوش با تمام زندانیان، همگام به میلیونها انسان عاصی مبارزه یکپارچه و متحد است. رژیم را بارها به عقب نشینی کشانده ایم. پاسخ ما تعرض است. نباید منتظر اعدای دیگر باشیم تا به میدان بیاییم. باید رژیم را به عقب نشینی ممتد بکشانیم. این منق مبارزه و پیروزی است!

راه پیمایی و تظاهرات مردم در سلیمانیه از فراخوان ما در روز ۲۹ ژانویه حمایت کرده اند. به کمپین اعتراضی روز شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه علیه اعدام بپیوندم!

نسان نودینیان 22 ژانویه ۲۰۱۱

تونس راه نشان داد!

اسد نودینیان

[nodinyan.asad@yahoo.se](mailto:nodinyan.asad@yahoo.se)

سقوط دولت دیکتاتوری تونس بعد از 23 سال به یکباره کشورهای زیادی را در افریقا و کشورهای عربی به زلزله سیاسی کشاند. بدنبال سقوط دولت و فرار رئیس جمهوری این کشور تظاهراتهای اعتراضی در شهرهای بزرگ در الجزایر، اردن، مصر بجریان افتاد. تظاهرات در تقابل با سیاست حذف سوسیبدوها و بالا رفتن قیمت مواد اولیه زندگی صورت گرفته است. اما همزمان با آن مسئله آزادیهای سیاسی و به چالش کشاندن حکومتها در میان شعارهای تظاهر کنندگان مشاهده می شود. رژیم های سرکوبگر و مستبد این کشورها با پلیس و نیروهای نظامیانشان به مقابله با اعتراضات دست زدند. اما در عین حال شورش مردم تونس زنگ خطر نا کارا بودن سیاست مطلق سرکوب را در این شرایط به مشامشان رسانده است. الجزایر از حذف سوسیبدوها عقب نشست و اعلام نمود که قیمتها را به حالت اولیه خود بازگردانده. مصر اعلام نمود که قصد ندارد فعلا این سیاست را پیش ببرد و قیمتها به حالت خود باقی خواهند ماند. مراکش اظهار نگرانی نموده و در اردن تظاهرات های بزرگی صورت گرفته و اعتراضات ادامه دارد. کلیه دول عربی با احتیاط به شورش مردم تونس برخورد کرده و عملا سکوت نموده اند.

دوقطبی نیروهای نظامی، مجلس و نخست وزیر این کشور از یک طرف و مردم در خیابانها از طرف دیگر ادامه دارد. سرنوش "دولت ائتلاف ملی" برای بخش عمده حزب حاکم سابق (حزب دمکراتیک قانون اساسی) همچنان در زمین و خیابانها معلق شده است. مردم خواهان انحلال این حزب و پاک کردن عناصر و کسانی هستند که در دولت و دستگاه سرکوب و قدرت بوده اند. و حزب حاکم تلاش میکند پلی میان مردم در خیابانها، اپوزیسیون و مخالفین و با حفظ قدرت سیاسی اش ایجاد کند. روز دوشنبه 17 ژانویه سه حزب اپوزیسیون و حزب حاکم قبلی برای ایجاد دولت موقت، با اعلام لیستی از وزرا به پایان رسید. از دل این مذاکرات دولتی متشکل از سه وزیر در پستهای فرعی از احزاب اپوزیسیون و دادن پستهای

حساس و مهم به حزب حاکم و وزرای قبلی (پستهای اقتصاد، داخلی، امنیت...) تشکیل گردید.

همزمان با این توافقات برای به خاموشی کشاندن اعتراضات مردم و حفظ نیروهای نظامی در خیابانها، مردم با حضور اعتراضی خود خواستهای خود که در راسا آن اعلام انحلال حزب حاکم و وزیران آنها در حکومت است را اعلام نمودند. پلیس با گاز اشک آور به مقابله با تظاهر کنندگان دست زد.

ادامه این اعتراضات و گسترش آن به اکثر شهرها یک روز بعد از اعلام حکومت، این حکومت را با اعلام استعفای چهار نفر از وزرای که سه تن از آنها از اعضای سندیکاهای کارگری بودند، با بحران و سقوط روبرو نموده است.

نخست وزیر اعلام عفو عمومی نمود، برای از زیر تیغ رد کردن حزب حاکم (حزب جنبش دموکراتیک قانون اساسی) بن علی و شش تن از نزدیکانش را از این حزب اخراج نمود. و یک ساعت بعد با اعلام استعفای رئیس جمهور موقت و نخست وزیر از این حزب تلاش نمودن که معترضان را آرام نمایند. اما اتحادیه کارگری تونس در اطلاعیه ای ناراضیاتی خود را به حضور اعضای از دولت قبلی در کابینه دولت موقت ملی اعلام نمود و از سه وزیر خود در این کابینه خواست به اعتراض به حضور این افراد در هیئت وزیران از مقام خود استعفا دهند بدنبال استعفای این سه تن دو نفر دیگر از کاندیداها احزاب مخالف نیز استعفا داده و خبر ها حاکی از استعفای کسانی دیگری می دهد این عملا دولت را با سقوط مواجه نموده است.

اینکه ادامه این اعتراضات و به چالش کشیدن حکومت در ادامه خود سرنوش قدرت سیاسی در تونس را به چه مسیری خواهد کشاند امری است که تحولات آتی می تواند آنرا نشان دهد. تا اینجا هنوز مردم با حضورشان در خیابانها و با بیان خواستهای رادیکال خود اراده جمعی خود را برای به ثمر رساندن انقلاب نشان می دهند. تصاویر و گزارشات رسانه ها از این اعتراضات مردم خشمگینی را نشان می دهد که مصممانه خواستار لغو احزاب حاکم و محاکمه کلیه سران این حزب هستند. معلمی در یک مصاحبه می گوید «رفتن بن علی به تنهایی کفایت نمی کند، باید تمام دستگاه حکومتی وی برچیده شود.» جوان معترضی نیز گفت: «ما می خواهیم که در ثروت کشورمان سهیم باشیم.» به گفته وی «اعضای حزب حاکم، همه ثروتمندند و مردم دیگر فقیر.» اینها پیامهای مردم معترض برای به نتیجه رساندن جنبش اعتراضیشان است.

یک ویژگی دیگر این جنبش تا کنون عدم حضور فعال نیروهای ارتجاعی اسلامی در آن است.

اما مردم گرسنه تا کنون با اعتراضات خود توانسته اند حکومت قبلی را به شکست و رئیس جمهور دیکتاتور را بعد از 23 سال حاکمیت سرنگون نمایند. مسئله قدرت سیاسی را به امر روز خود تبدیل نمود و برای تغییراتی بنیادی خیابانها را در دست دارند، قیام انقلابی مردم تونس در خارج از تونس و در کشورهای همجوار موجی از اعتراضات را دامن زده و همه دولتها را غافلگیر نموده است. رئیس سازمان امنیت المان از

مردم دیگر فقیر.» اینها پیامهای مردم معترض برای به نتیجه رساندن جنبش اعتراضیشان است.

یک ویژگی دیگر این جنبش تا کنون عدم حضور فعال نیروهای ارتجاعی اسلامی در آن است.

اما مردم گرسنه تا کنون با اعتراضات خود توانسته اند حکومت قبلی را به شکست و رئیس جمهور دیکتاتور را بعد از 23 سال حاکمیت سرنگون نمایند. مسئله قدرت سیاسی را به امر روز خود تبدیل نمود و برای تغییراتی بنیادی خیابانها را در دست دارند، قیام انقلابی مردم تونس در خارج از تونس و در کشورهای همجوار موجی از اعتراضات را دامن زده و همه دولتها را غافلگیر نموده است. رئیس سازمان امنیت المان از

غافلگیر شدن سازمانش و عدم پیش بینی چنین تحولی سخن به میان آورده، ترس از این تحول برای آنها منحصر به تونس و سرنگونی رژیم حاکم آنجا نیست آنها از ادامه این اعتراضات و گسترش آن در تعداد زیادی از کشورهای عربی است.

مردم تونس خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت فعالیتهای سیاسی احزاب و در یک کلام حفظ نرهای سکولار در جامعه هستند.

سمبل این اعتراضات در تونس محمد بوعزیزی جوان 26 ساله فارغ التحصیل از دانشگاه که در نتیجه درصد بالای بیکاری برای تامین معیشت خود و خانواده اش از شهر کوچکی به پایتخت برای کار رفته و دکه سبزی فروشی او توسط پلیس وحشیانه مورد حمله قرار گرفت و عزیز بدنبال این اقدام پلیس در شهر خود و در انتظار عموم و در اعتراض به این شرایط خود را سوزاند. این اقدام او سمبل شروع اعتراضات و گسترش آن در تونس شد، در چند روز اخیر در مصر، اردن و موریتانی و الجزایر نیز جوانانی با سوزاندن خود در مقابل مجلس و در انتظار عمومی می خواهند توجه جامعه را به شرایط مشابه مردم در این کشورها جلب کنند. تظاهراتهای اعتراضی همچنان در این کشورها ادامه دارد.

اگر بحران اقتصادی و یورش افسار گسیخته ای که سرمایه و رژیمهای حامی آن در اقصی نقاط جهان بر مردم آورده اند، در بیشتر کشورهای اروپایی از جمله فرانسه که تأثیرات بلافاصله و مستقیمی بر روند، شکل و نحوه اعتراضات مردم تونس گذاشته با تظاهراتهای گسترده توده ای مواجه شد، و سرانجام حکومت و نظام حامی سرمایه به تقبل این شرایط بر زندگی توده های مردم تا کنون توانسته اند بار این بحران را بردوش مردم بیندازند.

اما در کشورهای سرکوبگر و مستبیدی چون تونس که دولت راسا حامی و حافظ چنین نظامی با ایجاد خفقان و سرکوب و ایجاد ارتش وسیع کارگران ارزن برای سرمایه توانسته راه را برای سرمایه ها باز نگه دارد. چنین حملات گسترده ای به زندگی مردم دیگر کارد را به استخوان رساند. و تونس و شورش مردم آن نشان داد که شورش گرسنگان در قدم اولیه خود خواهد توانست این نظامها را که تا دیروز بعنوان جزیره آرامش

سرمایه از آن نام می بردند، در ظرف 4 هفته اعتراض سرنگون نماید.

جنبش اعتراضی مردم تونس راه را نشان داد. بدون شک مردم ایران که خود تجربه سرنگونی رژیم شاه و تجربه 30 سال مقابله با هارترین رژیم سرمایه را دارند. بخوبی می دانند که کم در سرتترین راه برای خلاصی از رژیم حامی سرمایه اسلامی تجربه مردم تونس است. شورش گرسنگان در تونس راه نشان داد.

اسد نودینیان

ادامه بخش سوم

انتظار با آن تداعی گردد. فعالیت هیچ نیرویی مطالبه مشخص سیاسی و اجتماعی این دوره جامعه را به یاد مردم نمی آورد تا امروز حلقه ارتباطی تداوم دار آن با جنبش های رادیکال و مترقی باشد. هیچ جریانی نه توانسته در هیئت مدعی در برابر با جمهوری اسلامی، بعنوان جریان سرنگونی طلب، در مقام داشتن راه حل برای نجات جامعه ایران در ابعاد ضعیف و یا قوی ظاهر گردد. اعتراضات در تهران و دیگر شهرها فرصت های خوبی برای پیشروی نیروهای سیاسی چپ و کمونیست ها فراهم آورد، ناتوانی در بهره بردارهای ممکن و قابل حصول از آن رویدادها نشان ضعف های جدی است. انتظار بود بعد از پایان آن اعتراضات نیروهای سیاسی بطور واقع بینانه و به دور از حس رقابت و سکتی گری به نقش خود نگاه بیندازند و از تجارب آن دوره برای بر طرف کردن ضعف و نواقص موجود استفاده کنند. اما قضاوت تمام جریانات نسبت به نقش خود در آن رویدادها خلاف این را نشان میدهد و این وضع مایه نگرانی است.

اکنون شاهد عقب نشینی سیاسی چپ و پاس دادن خطا و اشکالات خود به پشت سر توجیهات کلیشه ای از قبیل توهم به سبز، به میدان نیامدن طبقه کارگر، اعتراض بالا شهرها و سرکوبگرها و جنایات رژیم و غیره هستیم. شاهد آشفته فکری و عبقرگرد در ارزیابی از آن اعتراضات و تحلیل از اوضاع کنونی ایران هستیم. این توجیهات و آشفته فکری ناشی از سنت کار و ظرفیت های پائین سیاسی این نیروها در جواب به اوضاع جاری است. در هر حال اسم ضعف ها را هر چه بگذاریم در این دوره احزاب و سازمانهای چپ جوابگو نبودند و متناسب با جنبش اعتراضی ایفای نقش نکردند. چاره اندیشی برای بر طرف کردن این ضعف در دستور کسی نیست و در عوض همه نیروهای سیاسی به از سرگیری مجدد اعتراضات توده ای و تکرار دوران طلایی آن امید بسته اند. معلوم نیست خود آنها در صورت از سرگیری اعتراضات و یا عدم از سرگیری آن کجا ایستاده اند و میخواهند به چه کاری مشغول شوند؟ آیا باز هم داستان تکراری نخواهد بود؟ اوضاع ایران هنوز بحرانی است، مسئله دولت و سرنوشت آن در دستور است، موقعیت نیروهای چپ نسبت به این مسئله معیار سیاسی بودن آنها است. فعلا بنظر نمی آید نیرویی در کشمکش بر سر سرنوشت جامعه طرف حساب این دولت باشد و یا اینکه این مسیر را بروند؟ غیبت چنین نیرویی در صحنه سیاسی ایران خلاء جدی در جبهه جنبش اعتراضی ایجاد کرده و از جمله عوامل اصلی بقاء جمهوری اسلامی است. این در حالی است که در تاریخ ایران هیچگاه جنبش رادیکال و آزادیخواهانه اجتماعی این چنین در سطح ایران گسترده و روشن بین نبوده است. هیچگاه این چنین تمایل عمومی و حرکات های اجتماعی در روی آوری به افکار مترقی و کمونیست قوی نبوده است.

**مبارزان کمونیست:** با توجه به آنچه گفتید، نقش احزاب و سازمانهای چپ را در آن اعتراضات چگونه می بینید؟

**مجید حسینی:** لازم است بگویم بحث اینجا ارزیابی جامع از عملکرد احزاب و سازمانهای چپ نیست و فقط به جنبه های مهمی اشاره خواهم کرد. جریانات چپ بطور کلی و بصورت ویژه تمام جریانات موجود و موسوم به کمونیسم کارگری بعد از مرگ منصور حکمت و حزب کمونیست ایران و کومه له فعلی را مد نظر دارم. شکی نیست که تعدادی از این احزاب و جریانات در دوره تحركات گسترده توده ای سال 1388

نقش داشتند و با معیارهایی میشود آنرا مثبت ارزیابی کرد. انتقادات به نواقص کار به معنی نفی و نادیده گرفتن فعالیت این جریانات نیست. اتفاقا حجم فعالیت تعدادی از آنها در دوره اعتراضات بی سابقه بود و قابل مقایسه با هیچ دوره دیگری از فعالیت نیروهای چپ در ایران نیست. مسئله حجم فعالیت ها نیست و مسئله کیفیت و جهت های سیاسی است. خارج از میزان و چند و چون فعالیت ها، نفس حضور این جریانات با وجود پراکندگی و گوناگونی و اشتباهات سیاسی آنها در جلب توجه بخشهایی از مردم به آزادیخواهی نقش دارد. اما عملکرد و سیاست جریانات چپ متناسب با افق و خواست های جاری بر آن تحولات و آنچه جامعه را به جوش آورده نیست. چپ اجتماعی در ردیف قوی ترین نیروها در آن اعتراضات و در جامعه امروز ایران است، اما چپ سازمانیافته و متحزب نتوانسته جوابگوی این وضعیت باشد. فکر میکنم جریانات چپ در آن ماجرا و کلا در رابطه با مسئله تعیین سرنوشت جامعه فاقد سیاست روشن و پایدار و استراتژی هستند.

در جریان آن اعتراضات احزاب و جریانات مواضع سیاسی کم و بیش متفاوتی داشتند و فاصله ها تا حدودی قابل رویت بودند. اما بعد از پایان اعتراضات در جریان ارزیابی از آن، مواضع سیاسی اکثریت این جریانات بهم نزدیک گردید. تبیین ها علیرغم تفاوتهایی دارای محورهای مشترک جدی با هم هستند. همه این جریانات بلا استثناء چشم امید به میدان آمدن طبقه کارگر در تحولات آتی بسته اند و بر حضور سازمانیافته این طبقه در تحولات آتی تاکید دارند. این امید به حضور طبقه کارگر و سازمانیافتگی آن در تحولات آتی متکی به هیچ پراتیک و فعالیت نقشه مند این احزاب در میان طبقه کارگر نیست. تحلیل است و خود به خودی. علاوه بر این با چنین اظهاراتی دانسته و ندانسته دارند توافق عمومی خود را بر سر "عدم حضور" طبقه کارگر در جریانات سال 1388 بر ملا میکنند. بطور غیر مستقیم میگویند، علت سرنگون نشدن رژیم و به سرانجام نرسیدن آن اعتراضات ناشی از شرکت نکردن طبقه کارگر در آن بود. این نتیجه گیری نادرست است. شکی در این نیست که اگر کارگران بمثابه طبقه در آن ماجرا دخالت میکردند این رژیم یک هفته دوام نمی آورد. اما در آوردن آن احکام از حضور و عدم حضور طبقه کارگر و حواله کردن ضعف جریانات سیاسی به پشت طبقه کارگر ناشی از بستر سیاسی مشترک چپ میباشد. چپ غیر اجتماعی نواقص خود را نمی بیند، خیلی سریع مجذوب تحركات توده ای میشود و با فروکش کردن و یا ناکامی آن با همان سرعت به سنگر توجیهات سنتی خود باز میگردد. این دید تصویر محدود نگرانه و غیر اجتماعی و یک طرفه از طبقه کارگر و جایگاه آن بدست میدهد. یک وجه مهم دیگر آن دست کم گرفتن وزن تحركات توده ای و عمومی بر فضای جامعه، بر طبقه کارگر و سرنگونی دولتها و شروع و انجام انقلابات است. این موضوع بحث جداگانه ای می تواند باشد و اینجا خیلی کلی و مختصر به نکاتی از سیاست های این احزاب اشاره میکنم.

انقلاب دانستن آن اعتراضات، قیام خواندن آن و یا شورش و خیزش توده ای و غیره به خودی خود اشکالی ندارد، اشکال بر سر سیاست و تاکتیک و استراتژی بیرون آمده از این ترماها است. حزب

کمونیست کارگری ایران آن اعتراضات را انقلاب میدانند، وقوع انقلاب را فرض و حتمی گرفته است و تحقق استراتژی انقلابی خود را تضمین شده به حساب می آورد. در نتیجه انقلاب در حال جریان نیازی به نقشه و برنامه و سیاست و تاکتیک و مرزبندی روشن با جریانات غیر انقلابی و در نهایت استراتژی برای به ثمر رساندن آن انقلاب ندارد. چون از نظر او خود استراتژی، یعنی انقلاب دارد اتفاق می افتد و به سر انجام منطقی خود می رسد. در این دیدگاه انقلاب جای همه تدابیر لازم را گرفته و دیر یا زود توده ها، یا طبقه کارگر، و یا توده ها و طبقه کارگر با هم انقلاب را به ثمر خواهند رساند. حالا که خبری از حرکات توده ای در آن مقیاس نیست، از نظر آن حزب باز هم انقلاب ادامه دارد و بعدا اگر تحرکی در آینده شروع شد این تحرک باز هم ادامه همان انقلاب است. چنین متدی نمی تواند تفاوت بین دوره های مختلف اعتراضات را ببیند و هر رویدادی را فوراً در چهارچوب انقلاب جاری و انقلابی که قرار است اتفاق افتد می گنجاند و برای آن تبلیغ و ترویج و سیاست گذاری میکند. در واقع حزب عملا به انتظار وقوع انقلاب نشسته و از نظر او نتیجه طبیعی انقلاب جاری قدرتمندی چپ و حاشیه ای شدن نیروهای غیر انقلابی است. نتیجه میگیرد، پس هر کسی و هر نیرویی آمد و در این انقلاب شرکت کرد ما را تقویت میکند و نباید به شرکت کنندگان در آن سخت گرفت. هم چنین انقلاب جای نقش حزب و امر آن را گرفته و حزب از انجام وظایف اساسی خود دور افتاده و وظایف خود را به توده ها محول کرده است. این دیدگاه انقلاب 57 و تکرار کپی آنرا مد نظر دارد و متکی به تجربه کمونیستها از آن انقلاب و به خون کشیدن آن انقلاب توسط ضد انقلاب اسلامی نیست. متأسفانه رویدادهای تا کنونی نشان داد که احتمال انجام انقلاب به شکل انقلاب 1357 در ایران بسیار ضعیف است. حتی در صورت وقوع آن، برای حفظ کم ترین دستاوردهایش احتیاج به حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند دارد. قدرتمند کردن حزب بدون استراتژی کسب قدرت سیاسی و تلاش برای گسترش نفوذ آن تحت هر شرایطی ممکن نیست. در ایران امروز تصادم بین انقلاب و ضد انقلاب، مردم و رژیم، طبقه کارگر و بورژوازی بسیار پیچیده تر و بی رحمانه تر از دوره انقلاب 57 است. شکی در این نیست که سیاست و عملکردهای این حزب به نسبت نیروهای چپ دوره انقلاب 57 رو به جلواست، اما برای این دوره ایدا جوابگو نیست. بعنوان نمونه در جریان تحركات توده ای و بالا رفتن رادیکالیسم آن، جریان سبز و ملی مذهبی ها به وحشت افتادند و یکی از تاکتیک های آنها برای جلو گیری از رادیکالیسم انقلابی و جلوگیری از خواست سرنگونی روی آوری به صادر کردن بیانیه و ردیف کردن موادی در آن برای سد کردن مبارزات مردم بود. همزمان با این ماجرا تعدادی از احزاب چپ برای بالا بردن توقعات مردم و خنثی کردن این حرکت ملی مذهبیها دست به عمل متقابل زدند و بیانیه هایی دادند. قبل تر از آن هم بیانیه ده فرمان از طرف حککا صادر شده بود. تاکید میکنم که ایرادی به مواد آمده در آن بیانیه ها و محتوای آنها وارد نیست، ایراد به جایگاه این بیانیه ها و دیدگاه پشت آنها در رابطه با موقعیت جنبش اعتراضی و آن حزب و چگونگی رابطه متقابل آنها با هم بود. صادر کردن آن بیانیه ها خوانایی با آن اوضاع نداشت و من فکر میکنم بیراهه ای بود که رفتند و همان موقع این را نوشتیم. مسیر بالا بردن توقعات مردم و افشای جریانات ملی مذهبی و تاکتیک آنها در آن شرایط مشخص از طریق کوبیدن بر خواست سرنگونی جمهوری اسلامی به پیش برده میشد.

بقیه در صفحه 7

مصاحبه نشریه مبارزات کمونیست با مجید حسینی

## جمهوری اسلامی در اعتراضات سال 1388 جان بدر برد،

سرنگونی آن هنوز در دستور است.

بخش اول

**مبارزان کمونیست:** اعتراضات میلیونی مردم در تهران و در شهرهای بزرگی چون اصفهان و شیراز و مشهد و ..... در خرداد 1388 چه نتیجه ای بر موقعیت جمهوری اسلامی و رابطه آن با مردم گذاشت و دستاورد های آن اعتراضات چه بود؟

**مجید حسینی:** اعتراضات بعد از "انتخابات" هم دولت اسلامی و هم جامعه ایران را جنباند. رژیم اسلامی هنوز نتوانسته است موقعیت خود را به شرایط قبل از "انتخابات" در داخل ایران و در سطح بین المللی بازگرداند. بدنبال آن اعتراضات اوضاع جمهوری اسلامی به گونه ای است که اجرای هر برنامه و پروژه سیاسی و اقتصادی دولتی و از سر گذراندن آن روزهایی که با اتفاقات سیاسی مناسبی دارند در سایه استقرار نیروهای نظامی در نقاط مختلف تهران و دیگر شهرهای بزرگ قابل اجرا میشوند. نزدیک به دو سال است دولت حالت آماده باش نظامی دارد و تقلا میکند چهره نظامی و گشت و گذار نیروهای نظامی را به رکن دائمی در جامعه تبدیل کند و این پدیده با این ابعاد بعد از اعتراضات خرداد شروع شد.

اکنون رژیم نه تنها با مردم بلکه با ارگانهای خود در کشمکش است. اختلاف درون حکومت از محدوده اختلاف بین دو جناح اصولگرا و اپوزیسیون سبز عبور کرده و جناح اصولگرا را به دار و دسته و شاخه های مختلف تقسیم کرده است. این جناح با مهره ها و ارگانهای خود هم در افتاده است. دولت فعلی با مجلس شورای اسلامی، با مجمع تشخیص مصلحت، با مجلس خبرگان و شورای نگهبان و با طیف بسیار زیادی از آیت الله های ریز و درشت مشکل دارد. بسیاری از موافقان و کاربدستان و بنیاد گذاران این دولت در سیستم نظامی و اداری آن به صف مخالفان و ناراضیان پرتاب شده اند. اعتراضات مردم نه تنها اختلافات دو جناح اصولگرا و سبز را عمیق تر نمود، باعث ایجاد دسته بندیهای جدید و متعدد در درون دولت احمدی نژاد گشته است. از سر تا پای این نظام دسته بندیها بیرون میزنند. روز بروز از طیف مدافعین دولت کمتر میشود و در عوض دایره مخالفان آن وسیع تر میگردد. در نتیجه این دولت چاره ای ندارد جز اینکه بصورت یک باند مافیائی کوچک و کوچکتر و متکی بر نیروهای نظامی و سرکوب عمل کند. اما این مسیر راه بی انتهائی برای دولت نیست. انحصار استفاده از نیروهای نظامی در برابر با جامعه در دست او باقی نمی ماند. شاید دولت بتواند جلو برود و برای سر پا نگهداشتن نظام اسلامی چند قدم دیگر بر دارد و شرایطی بدتر از اوضاع کنونی را بر جامعه کند، اما راه عقب نشینی ندارد. اگر مقابله کشور های غربی با رژیم به بهانه مسئله اتمی پدای جمهوری اسلامی نرسد، ادامه وضعیت فعلی به احتمال بسیار زیاد منجر به فروپاشی نظام اسلامی و با از سر گیری اعتراضات توده ای برای سرنگونی آن خواهد شد. در هر صورت آن اعتراضات ماندگاری جمهوری اسلامی را به ضعیف ترین احتمال ممکن در اوضاع سیاسی ایران نزدیک تر کرده است.

از طرف دیگر نظام سرمایه داخلی و جهانی وجود این رژیم را "خطر" ساز برای بروز انقلاب و پا گیری جنبش های اعتراضی قوی و رادیکال در ایران میدانند. علیرغم روابط رنگین دیپلماسی و مذاکره و راه دادن احمدی نژاد به مراکز بین المللی، یک وجه تلاش

آنها حفظ منافع خود در صورت فروپاشی و یا سرنگونی این رژیم و تمرکز رقابت قدرتهای بزرگ دنیا حول منافع خودشان است. بورژوازی جهانی قوی شدن چپ و کمونیسم در ایران را خطرناکتر از جمهوری اسلامی به حال خود میدانند. دولت احمدی نژاد متوجه این نگرانی بورژوازی داخلی و جهانی و بویژه کشورهای منطقه شده است و ضمن بهره برداری از رقابت آنها برای رفع این نگرانی از مسئله ملی گرایی ایرانی در برابر با مسئله ایران اسلامی دفاع کرد. پیگیری طرح "هدفمند کردن پارانه ها"، در حقیقت طرح حذف پارانه ها، در بطن این فضای اعتراضی در جامعه و فلاکت تحمیل شده به مردم، اقدامی است برای جلب رضایت طبقه سرمایه دار در داخل و بانک جهانی. طرح حذف پارانه ها و مسئله اتمی از آن نکات مورد توافق و پروژه های مشترک کلیه جناحها و دستجات درون نظام اسلامی و حتی بخشهایی از اپوزیسیون رژیم است. دولت برای کم کردن فشار و نارضایتی ها در درون خود و طبقه سرمایه دار دست به مانور میزند و بر سر اینها می گوید. طرح "هدفمند کردن پارانه ها" به یک مسئله محوری سیاسی و اقتصادی جامعه تبدیل گشته و در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد.

در شرایط فعلی هر اقدام و حرکت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی دولت و از جمله سفرهای پر مخارج خامنه ای و احمدی نژاد به قم و لبنان نمایشی هستند برای اعاده موقعیت از دست رفته دولت و بهره برداری سیاسی از آن. به عبارت دیگر مسئله بقاء رژیم و عقب راندن مردم به مهم ترین مسئله محوری احمدی نژاد و خامنه ای تبدیل گشته اند. همین مسئله منشاء تولید جریان سبز و دارودسته های متعدد در درون دولت اسلامی است.

علاوه بر گسترده تر شدن اختلافات درون رژیم حاصل دیگر آن اعتراضات، محدود شدن دامنه سرکوبگری رژیم به نسبت قبل از آن و بویژه رانده شدن مسائل سیاسی ایران و اتفاقات درون آن به جلو صحنه بین المللی است. افکار عمومی جهانی متوجه و متمرکز بر اتفاقات درون ایران شده است. امروزه بسیاری از دستگیریها و صادر کردن احکام زندان و اعدام و اتفاقات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در درون ایران با سرعت زیادی در جهان منعکس میگردد و با همان سرعت مخالفت ها در برابر با آن شکل میگیرد. این دو نکته، یعنی ایجاد محدودیتهائی بر سر راه سرکوبگری دولت به نسبت قبل تر و توجه ویژه دنیا به مسائل جامعه ایران، از جمله دستاوردهای با ارزش آن مبارزات است. آمار اعدامها و سنگسار زنان قبلا بسیار بیشتر از این دوره بود، اما در این دوره حمایت ها از زندانیان و مبارزات زنان و اعتراض به اقدامات ضد زن جمهوری اسلامی گسترده تر از قبل است. پیش از اعتراضات توده ای خرداد 1388 توجه افکار جهانی با این درجه از حساسیت بر ایران متمرکز نبود. اکنون همگان متوجه حرکات و اقدامات این دولت شده اند و به نحوی در مقابل با آن عکس العمل نشان میدهند. نکته این است که، آن اعتراضات موقعیت گذشته را از رژیم گرفت و عقب نشینی هائی به آن تحمیل کرده است. اگر اعتراضات توده ای دیگری در آن ابعاد قبلی در ایران پا بگیرد، امکان اینکه دولت فعلی بتواند در مقابل با آن تاب بیاورد بسیار ضعیف است. اعتراضات بعد از خرداد دامنه عمل و مانور دولت را محدود کرد. در دور بعدی امکان سرایت تشنج و بروز اختلاف به میان نیروهای مختلف نظامی دور از انتظار نیست.

**مبارزان کمونیست:** نزدیک به دو سال از اعتراضات میلیونی مردم میگذرد، اعتراضاتی که برای هر

ناظری که اوضاع ایران را تعقیب کرده باشد به نسبت اعتراضات قبلی بی نظیر بود. این اعتراضات ظاهرا خاموش اند و گفته میشود تمام شد و سرکوب شده اند. بعضی ها میگویند این اعتراضات فروکش کرده اما کماکان خطری است که موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید میکند. شما چه تصویری از این تصاویر را واقعی می دانید؟

**مجید حسینی:** اعتراضات توده ای در آن شکل و در آن ابعاد میلیونی جریان ندارد، اما اعتراض و مبارزه علیه موجودیت جمهوری اسلامی لحظه ای قطع نشده است. خیابانها و اماکن عمومی سی سال است محل مقاومت و اعتراض شجاعانه زنان در برابر با قوانین ضد زن و عهد حجری اسلامی است. جوانان از زندگی تحت این نظام به تنگ آمده و با سرکوب و محرومیت ها و فرهنگ اسلامی آن کنار نیامده اند. آمار اعتراض و اعتصابات کارگری بیشتر شده و رژیم دائما فعالین و سخنگویان کارگران را زیر ضرب گرفته است.

"خطر" از سر گیری اعتراضات توده ای و سرتاسری کابوس شبانه روز هر دو جناح رژیم، خامنه ای و احمدی نژاد و میرحسین موسوی و مهدی کروبی است. دولت اسلامی در پناه نیروهای سرکوبگر سپاه، بسیج، نیروی لباس شخصی، پلیس و سازمان مخوف اطلاعات از دست آن اعتراضات توده ای جان بدر برد و توانست عمر دو باره ای را برای خود دست و پا کند. اعتراضات مردم در فاصله بین خرداد ماه 1388 تا 22 بهمن ماه، یعنی نزدیک به 9 ماه، نفس جمهوری اسلامی را بریده بود. در این 9 ماه نظام اسلامی بین مرگ و زندگی در نوسان بود. دولت ستاد فرماندهی اضطرابی و مشترکی از این شش نیروی سرکوبگرش برای مقابله با مردم تشکیل داد. این مرکز فرماندهی از سر تا سر ایران نیرو جمع کرد، به تهران لشکر کشید، جنگ تمام عیاری را با مردم آغاز کردند. رژیم اسلامی از همان روز اول، تظاهرات مردم بی سلاح را با سلاح و گلوله پاسخ داد. شلیک رو در رو به تظاهرات را کافی ندانست و مزدوران مسلحی را برای شکار فعالین و رهبران این اعتراضات سازمان داد و در جریان تظاهراتی خیابانی تعداد زیادی را از راه دور با تیر زدند. شبانه به منازل دیگر فعالین حمله می بردند و آنها را دستگیر میکردند. ماشین زندان و شکنجه و تجاوز و اعدام با سرعت بیشتری بکار گرفته شد و شبانه روز از جوانان و مردم مبارز و معترض قربانی میگرفت. در شروع اعتراضات با قمه و تبر به خوابگاه دانشجویان یورش بردند، تعدادی را کشتند، ده ها نفر را زخمی و دستگیر نمودند و خوابگاه را غارت و به ویرانه ای تبدیل کردند. این اقدام پیشگیرانه ای بود برای بر هم زدن کانونهای مبارزاتی دانشجویی، برای محروم کردن اعتراضات مردم از مراکز پشت جبهه ای رادیکال دانشجویی و قطع کردن رابطه دانشگاه با اعتراضات خیابانی. دولت با نقشه حساب شده و فرماندهی واحد در مقابل مردم معترض عمل کرد. اما اعتراضات عمومی مردم و بخش مترقی و رادیکال آن فاقد رهبری و هماهنگی بود.

از 22 بهمن ماه تا کنون رژیم اسلامی بطور سیستماتیک فعالین عرصه های مختلف اعتراضی و هر آنکسی که بتواند در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نقشی ایفا کند مورد حمله قرار داده است. وزارت اطلاعات رژیم رهبران جنبش سبز را فعلا به حال خود رها کرده است تا بتواند حمله به روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و فعالین این طیف را گسترده تر کند. فشار و مراقبت پلیسی و دستگیری فعالین

جنبش کارگری در ایندوره بیشتر از هر دوره ای سازمان یافته انجام میگیرد. فشار را متوجه تشکلهای توده ای و کارگری کرده است. اما جنبش کارگری از هر دوره ای بیشتر به اعتصاب و نارضایتی اش افزوده است. حذف یارانه ها از روز شنبه این هفته عملاً بعد از نه ماه به مرحله اجرا درآمد. اجرا و عملی کردن این طرح و بالا بردن نرخ گرانی در ابعاد شش و هشت برابر با گذشته، عملاً طبقه کارگر و تهیدستان را به اعتراض توده ای و تجمع و اعتصاب میکشاند. از هم اکنون ما شاهد اعتصاب بخشی از رانندگان تاکسی و ماشینهای سنگین هستیم. با وجود همه این فشارها و جنایات افسار گسیخته، مردم هنوز به بقاء این رژیم رضایت نداده اند و صف آرائی آنها در مقابل با آن پا بر جا است. زنان و کارگران و جوانان و دانشجویان از جان خود مایه میگذارند تا سر نوشت خود و بچه هایشان را از چنگ این نظام مستبد مذهبی بدر آورند. ادامه حیات رژیم اسلامی برای مردم در ایران قابل تحمل نیست. هنوز امید به رهائی بر فضای سیاسی ایران جاری است و این امید افق ناظر بر هر اعتراض کوچک و بزرگی در آن است. اعتراضات میلیونی بعد از خرداد سال 88 را تنها با درک درست این افق و این آرزو و این امید همگانی می توان توضیح داد.

طبقه سرمایه دار هم با چهار چوب مذهبی و ادامه نرم های خارج از قاعده این نظام و موقعیت اقتصادی و سیاسی آن در سطح بین المللی مشکل دارد. "خطر" انقلاب و سرنگونی رژیم بوسیله قیام مردم متنفر و عاصی از این نظام، بورژوازی محلی و جهانی را به هراس و چاره اندیشی برای این وضع انداخته است. این نظام از ابتدا با تناقضات "مفید"ی به حال سرمایه و برای درهم شکستن رادیکالیسم به حرکت در آمده انقلاب پنجاه و هفت متولد شد و آن تناقضات امروز دارد سرش را به باد میدهد و منافع سرمایه را از پایه به خطر می اندازد. بن بست جمهوری اسلامی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است و تا کنون این رژیم نتوانسته هیچکدام از آنها را تخفیف دهد.

ادامه دارد

مجید حسینی

24 دسامبر 2010

[majid.hosaini@gmail.com](mailto:majid.hosaini@gmail.com)

[k.mobarez@yahoo.se](mailto:k.mobarez@yahoo.se)

## بخش دوم

مصاحبه نشریه مبارزات کمونیست با مجید حسینی

**جمهوری اسلامی در اعتراضات سال 1388 جان بدر برد،**

**سرنگونی آن هنوز در دستور است.**

مبارزان کمونیست: با توجه به آنچه گفتید، آیا امکان از سر گیری اعتراضات توده ای در ایران هست؟ موانع باز دارنده کدامند؟

مجید حسینی: در جواب به سوال قبلی گفتم امکان از سر گیری تحرک توده ای یکی از احتمالات ممکن و قوی است. در همین رابطه به چند نکته دیگر اشاره میکنم. تغییر و یا سرنگونی این رژیم در نتیجه مبارزات مردم و یا در اثر بالا گرفتن اختلافات درون آن و یا با ترکیبی از آنها و غیره امری حتمی است. آنچه نامشخص است شیوه تغییر و جابجائی این رژیم است. چگونگی خلاصی جامعه

از دست این نظام اثرات تعیین کننده ای بر نحوه شکل گیری دولت آتی و ماهیت آن و تعیین سیاست در قبال آن خواهد گذاشت. مثلاً سرنگونی دولت در نتیجه قیام و اعتراضات توده ای و یا در اثر کودتا و تغییر از بالا به نتایج سیاسی یکسانی منجر نخواهد شد.

نظام اسلامی در طی دو سال اخیر ضربه های سنگینی را از طرف مردم متحمل شده است. سیاست ضد آمریکائی و اسرائیلی و ضد امپریالیستی رژیم از موضع ارتجاعی نمی تواند نیرو برای این دولت جمع کند. در اعتراضات خیابانی مقدسات و ارزش های اسلامی و مذهبی رژیم مورد تعرض بودند. بنابراین ضعیف ترین احتمال باز سازی ارتجاع اسلامی توسط دولت احمدی نژاد و آخوندها است و قوی ترین احتمال تغییر و یا سرنگونی آن است. مردم به حرکت در آمده را تنها با براه انداختن سرکوب وسیع می توان به خانه فرستاد و رژیم این توان را ندارد.

هر دو جناح از تقابل دور گذشته با هم و استفاده مردم از آن برای تعرض به کل نظام اسلامی درس گرفته اند. این دو جناح با هم اختلاف دارند اما بر سر نجات اسلام و حکومت اسلامی متفق القول اند. بعد از آن اعتراضات هر دو محتاط شده اند و ضمن ادامه نزارع خانوادگی حال و هوای هم را دارند تا مردم از شکاف بین آنها برای تعرض به کلیت نظام استفاده نکنند. آنچه رابطه فعلی بین دو جناح سیاه و سبز درون رژیم را تنظیم میکند ترس از حرکت مجدد مردم و سرنگونی نظام اسلامی بوسیله آن است. در این مدت نه دولت احمدی نژاد بر جناح سبز فشار زیادی می آورد و نه سبزه جاست و خیز قبلی را از خود نشان میدهند. خیلی وقت است هر دو جناح سعی دارند تعادل فعلی بین آنها بهم نخورد. دولت احمدی نژاد بر متن این تعادل برنامه هایش را به پیش میبرد و فعلاً ماندگاری رهبران سبز را مفید تر از یکسره کردن حساب خود با آنها میدانند. اما حفظ و رعایت این تعادل و ادامه آن ممکن نیست. ادامه وضع فعلی و ماندگاری آن به نفع جناح در قدرت نیست. تناسب موجود بین دو جناح از نظر سیاسی موقتی و شکننده است و چون مردم مبارزه با نظام اسلامی را تعطیل نکرده اند. افزایش فشار اعتراضی و ناتوانی رژیم در حل مشکلات خود و یا هر اتفاق دیگری می تواند این رابطه موقتی را بسرعت در هم بشکند.

اما در مورد موانع، عامل سرکوب مهم ترین و اصلی ترین فاکتور بازدارنده در برابر با از سر گیری سریع اعتراضات است و این نکته عیبانی برای همگان است. یک وجه این سرکوب زندان و دستگیری و رو در رونی مستقیم با حرکات توده ای در دانشگاه و کارخانه و کارگاه و خیابان است. بخش دیگر آن اقدامات پیشگیرانه و برنامه ریزی شده نهاد های امنیتی و اطلاعاتی قبل از وقوع هر حرکتی است. جمهوری اسلامی در سرکوب و جلوگیری از حرکات توده ای و استفاده از بسیج "توده ای" هواداران خود از راه فشار و تطمیع دارای تجارب زیادی است. گروه و دسته های مختلف مزدور را برای ترور و تجمع جلو منازل مخالفین و حمله به تجمعات و مراسمهای غیبر دولتی سازمان میدهد. برای مقابله با اعتراضات از مناطق دور افتاده و بیشتر غیر شهری نیرو به شهرها می آورد. این رژیم بطور سازمان یافته و استراتژیک تحت هر شرایطی نقاط قوت و مراکز تولید "خطر" را زیر نظر دارد. بنابراین تا آنجائیکه

در توان دارد از هیچ جنایت و توطئه ای روی گردان نخواهد بود. مردم هم تجربه دارند، متوجه اند که توان و دامنه سرکوبگری رژیم بی انتها نیست. هر نظام مستبیدی در مقابل توده های خشمگین و ابتکار اعتراضی توده ای ناتوان است. اعتراضات پرشور و جسورانه سال 1388 در فضای آزادی بوقوع نه پیوست، وجود سرکوب و مقابله رژیم فرض بدیهی بر شرایط اعتراضی مردم علیه حکومت اسلامی است. اکنون رو در روئی دولت با مردم حول حذف سوسیدها متمرکز شده است. دولت بر سر اجرای این طرح برای تحمیل فقر و محرومیت بیشتر بر جامعه و اساساً برای در هم شکستن فضای اعتراضی جامعه حساب باز کرده است.

مانع دیگر تبلیغات رسانه های کشورهای غربی در منتسب کردن اعتراضات توده ای به جریان سبز است. من فکر میکنم توهم به سبز در میان طبقه کارگر، زنان، دانشجویان، جوانان و اقشار مختلف مردم زحمتکش آفندر نیست که بتواند مانع تعیین کننده ای در راه جلوگیری از اعتراضات توده ای باشد، اما مبارزان تبلیغی رسانه ها به نفع جریان سبز و هول دادن اعتراضات مردم به قالب جنبش ملی اسلامی می تواند به مانع باز دارنده تبدیل بشود. رادیو فردا، بی بی سی، صدای آمریکا و انبوهی از تلویزیونهای مختلف و روزنامه ها بعد از اعتراضات خرداد 1388 وسیعاً بلند گو و امکانات تبلیغی در اختیار سخنگویان و روشنفکران ملی مذهبی و نهادهای بنام حقوق بشری که فعالیت شان در چهار چوب منافع آنها می گنجد، میگذارند. روزانه ده ها نفر از این مبلغین را به پای رادیو و تلویزیون میبرند تا موسوی و مهدی کروبی و شخصیت های اسلامی و ملی را رهبر مردم کنند. اینها مواظب اند که مذهب و تقدس آن ضربه نخورد و مورد حمله قرار نگیرد. نجات اسلام را به رکنی جدی از تقابل راست با جریان چپ و رادیکالیسم اجتماعی جامعه تبدیل کرده اند. این موج گسترده و قوی تبلیغاتی خلاف خواست مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی حرکت میکند و بمثابة عامل بازدارنده ای شب و روز مشغول افکار سازی است. اینها میخواهند چهار چوب حقوق بشری مورد نظر آنها خط آخر اعتراضات رادیکال و مدرن مردم در ایران باشد.

تبلیغات این رسانه ها بر دو نکته متمرکز است. یکی، خشکاندن خواستهای رادیکال و آزادیخواهانه مردم و به جای آن بزک کردن ملی گرایی و اسلام خواهی است. این کاری است که بسیاری از نویسندگان و اقتصاد دانان و اشعار و هنرمندان سرگرم آنند. دوم، محدود کردن پدیده زندانی سیاسی به داستان دستگیریها، زندانی کردن، دادن و ندادن مرخصی از زندان، وضع جسمانی و موضوع ملاقاتهای دستگیر شدگان کاربردست سابق و پایه گذاران دولت اسلامی است. این رسانه ها دارند از میان این طیف قهرمان و رهبر می تراشند تا مردم و کارگران و زنان و دانشجویان و جوانان را از احزاب و جریانات چپ و مترقی دور سازند. در دوره انقلاب 57 از همین راه خمینی را رهبر مردم کردند. آن تجربه معرفه است و امروز با برنامه های حساب شده و دقیق تری به تقابل با چپ و جنبش کمونیستی در جامعه مشغولند و به نجات اسلام و جلوگیری از پرت شدن آن به حاشیه جامعه شتافته اند. ترس از سرنگونی رژیم بوسیله قیام و انقلاب طیف اپوزیسیون ملی مذهبی را وسیعاً به حرکت در آورده است. اینها امکانات دارند و

بورژوازی جهانی یاری شان میدهد و قوی ترین دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا و امکانات مالی را در اختیار آنها قرار داده است. از نظر این رسانه ها و جریانات ملی مذهبی، مسئله آزادی بیان و زندانی سیاسی فقط در محدوده زندانی کردن افراد وابسته به این طیف معنی دارد. اینجا ایراد به اعتراض در برابر بدستگیرها و فشار های رژیم نیست، ایراد به رهبر تراشی و آلترناتیو سازی از میان کاربدستان رژیم و روشنفکران جنبش ملی مذهبی و پروژه های توطئه آمیز آنها است. گویی که رهبران کارگری، فعالین جنبش آزادی زن، جوانان و دانشجویان و فعالین کمونیست و چپ نه در زندان اند و نه زندانی سیاسی هستند. فقط در حاشیه و در موقعیت مظلومان و نه رهبران جنبش ها و جامعه فقط به فردی از آنها اشاره میشود.

این رسانه ها هدفمندانه کمونیست ها و جریانات سیاسی چپ را که از همان روز اول سر کار آمدن این رژیم با آن مبارزه کرده اند بطور کلی از قلم انداخته اند. همین امر دارد یک وارونگی را قدم بقدم پرورش میدهد. اگر امروز مدافع حقوق بشر به تعبیر آنها بشوی، فردا سر از مهم ترین رسانه های تبلیغی جهانی در خواهید آورد. اما سی سال مبارزه بی وقفه انسانهای چپ و کمونیست و نیروهای سیاسی را باید پنهان و خفه کرد. تصادم این موج قوی تبلیغاتی با خواست مردم اثرات منفی بر جا گذاشته است. جامعه ایران زیر این بمباران تبلیغاتی متضاد با خواستها و مطالبات بر حق و عادلانه خود قرار دارد.

خوشبختانه تجمعات اعتراضی و آکسیونهای دانشجویان در 16 آذر امسال (1389) در دانشگاه ها، سخنرانیها و مطالبات آمده در قطعنامه ها و شعارهای آنها نشان داد که جریان آزادیخواهانه و چپ در دانشگاه ها با جریانات ملی اسلامی فاصله دارند و هنوز فضای سیاسی و آزادیخواهانه بر دانشگاهها جاری است و فعالین چپ و ترقیخواه نقش جدی دارند. این در شرایطی است که دانشجویان با یکدوره سرکوب و فشار بیسابقه روبرویند.

کمبود دیگری در وضعیت بحرانی ایران عدم وجود آلترناتیو سیاسی است. اگر جامعه ایران جریان سبز را آلترناتیو خود می دانست رژیم در برابر با آن اعتراضات دوام نمی آورد. اصلا قرار بر این نبود که جریان سبز بر جناح در قدرت پیروز شود و اگر این اتفاق می افتاد شیرازه امور از دست هر دو خارج میشد. اما آن اعتراضات دست رد به سینه جریان سبز زد. در میان نیروهای اپوزیسیون تا کنون هیچ حزب و سازمان سیاسی چپ و یا راستی نتوانسته اند در موقعیتی ظاهر شوند که بخشی قابل توجهی از مردم به آنها توکل کنند. هیچکدام از جریانات سیاسی قادر به چپ و راست کردن حرکت های توده ای در جامعه نیستند. آن اعتراضات نشان داد که جریانات سیاسی از نظر آمادگی و توان دخالتگری و تاثیر گذاری در اتفاقات ایران عقب تر از آن حرکات توده ای اند.

مجیدحسینی

29 دسامبر 2010

[majid.hosaini@gmail.com](mailto:majid.hosaini@gmail.com)  
[k.mobarez@yahoo.se](mailto:k.mobarez@yahoo.se)

### رژیم سرمایه اسلامی مسبب جانباختن 4 معدنچی

دیروز و بعد از 6 روز از گرفتار شدن 4 کارگر معدن هجک، استاندار کرمان اعلام نمود که تلاش برای نجات جان این کارگران ناکام مانده و این 4 کارگر جان خود را از دست داده اند. درست در 16 آذر یعنی با فاصله 7 روز قبل در همین معدن اتفاق مشابهی افتاده و تعدادی از کارگران جان خود را از دست داده اند. بنا به خبری از خبرگزاری مهر از ابتدای سال 1389 تا کنون بیش از 20 کارگر در معادن کرمان در رابطه با گروههای امداد داده اند. استاندار کرمان در رابطه با گروههای امداد برای نجات جان این چهار کارگر می گوید " که امدادگران به محل ریزش نرسیده اند: «متأسفانه اکیپهایی که برای اعزام شده بودند در مسیر دچار سانحه شده اند. دو نفر از امدادگران در سانحه تصادف دچار صدمات جسمانی شده اند و هم اکنون در یکی از بیمارستانهای کرمان بستری هستند. دیشب نیز یک اکیپ جدید به منطقه اعزام شده است".

در مقایسه سانحه اخیر با سانحه ای که برای کارگران معدن سن خوزه شیلی اتفاق افتاد چنین می گوید " شرایط این حادثه با حادثه معدنچیان شیلیایی متفاوت است. آنها در معدن محبوس شده بودند اما معدنچیان هجک در معدن مدفون شده اند". برآستی چه کسی بجز حامیان سرمایه و بورژواها میتواند اینچنین در مورد سرنوشت کارگران در مقام "مسئول" ظاهر شود. کارگران معادن در هجک قربانی نا امنی محیط کار شدند. مقایسه سرنوشت کارگران معادن سن خوزه با سرنوشت قربانیان معادن هجک به شکل مضحک و بورژوا منشانه این مزدوران در عمل تایید مرگ این کارگران در محیط نا امن کار است. در هجک کرمان 4 کارگر قربانی شدند، جانشان را از دست دادند، خاموش بخاک سپرده شدند، اما در شیلی و سن خوزه آنجا که طبقه کارگر و بویژه خانواده هایشان خاموش نشستند، با فشار و تجمع خانواده هایشان و فشار و در منگنه قرار دادن دولت و کارفرماها، بالاخره با تلاشی انسانی و بین المللی ۳۳ کارگر در فاصله مرگ و زندگی نجات پیدا کردند. در هجک کرمان دولت ضد کارگر جمهوری اسلامی همراه استاندار و کارفرماها حکم به دفن این 4 کارگر بخت برگشته، این قربانیان خاموش نظام کار مزدی دادند، و در شیلی جامعه و خانواده کارگران نگذاشتند در نزد افکار عمومی کارگران دفن شوند، راه نجات و راه ابتکار و استفاده از آخرین دستاوردهای تکنیک را انتخاب کردند. دنیای کارمزدی و استثمار و ستم در هر گوشه از این دنیای نابرابر و ظالمانه یکی است. تنها تفاوت در دخالت جامعه، کارگران و افکار عمومی است که میتواند به رهایی از مرگ و ادامه زندگی و استفاده از دستاوردهای بشری را به نمایش بگذارد. قربانیان معادن هجک متأسفانه از دستاوردهای انسانی و راه مبارزه برای نجات آنها محروم شدند. جنبش طبقه کارگر در هجک کرمان بار دیگر بهای خاموشی خود را پرداخت، اما این جنبش و طبقه کارگر میتواند و باید از بیداری و هوشیاری و فضایی انسانی و متحدانه کارگران معادن سن خوزه استفاده کند.

جانان اسلامی خادمان سرمایه رهبران کارگری را که صدای اعتراض به چنین بی حقوقی مطلق هستند را در زندانها خود نگاه می دارند. تا صدای این بی حقوقی کارگران را خفه کنند.

سانحه کرمان و جانباختن 4 تن از کارگران این معدن بار دیگر تاکید دارد که رژیم اسلامی رژیم حامی سرمایه و علیه کارگران است تنها با سرنگونی رژیم اسلامی می توان تلاش برای جامعه ای که در آن ارزش انسان و جان کارگر جایگاه خود را داشته باشد بکوشیم. اسد نودینیان  
آذر 1389

[nodinyan.asad@yahoo.se](mailto:nodinyan.asad@yahoo.se)

## نشریه مبارزان کمونیست را چاپ و پخش کنید

از سایت اینترنتی مبارزان کمونیست به نشانی زیر دیدن کنید

[www.mobarez-k.com](http://www.mobarez-k.com)

مطالب، اخبار و گزارشات خود را برای سایت مبارزان کمونیست ارسال کنید.

سایت مبارزان کمونیست در نقد و پلمیکهای اساسی علیه اسلام سیاسی، ناسیونالیسم و دموکراسی خواهی شرکت می کند.

این سایت از انتشار مقالات و مطالبی که با موازین آن خوانایی داشته باشد استقبال میکند. و از فعالین کمونیست، آزادیخواه و برابری طلب میخواستیم با ما تماس گیرند و ما را یاری و همراهی کنند.

آدرس های الکترونی تماس با سایت مبارزان کمونیست

[mobarezk40@yahoo.com](mailto:mobarezk40@yahoo.com)

[info1@mobarez-k.com](mailto:info1@mobarez-k.com)

حزب کمونیست کارگری چپ عراق

حزب اتحاد کمونیسم کارگری—واحد گوتنبرگ

سیاوش مدرسی ، سیروس ملکوتی ، شهلا باور ، سوسن شهبازی ، نسان نودینیان ، پروین معادی

سارا فنائیان ، حسن ماسالی ، صادق امیری

## نهادهای، نشریات و فعالین زیر نیز در تماس با مسئولین کمیته علیه اعدام، از تظاهرات ۲۹ ژانویه حمایت کرده اند:

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

خاوران - کانون دفاع از زندانیان سیاسی

نشریه شهروند، کانادا

سبزه‌های سکولار تورنتو

حزب همبستگی افغانستان

نازنین افشین جم

ایرج مصدافی

رضا غفاری بصیر نصیبی

بخش سوم ... مصاحبه نشریه مبارزات کمونیست با مجید حسینی

اگر در آن شرایط بیانیه دو بندی شامل خواست سرنگونی رژیم به اضافه محکوم کردن این حرکت مشترک جریان سبز و دیگر ملی مذهبها برای نجات نظام اسلامی داده میشد، می توانست نقش مثبت و دراز مدت تری به حال مبارزات مردم و تحکیم کردن رابطه آن حزب با آن بر جا بگذارد. راه رسیدن به مواد آمده در بیانیه ها در این اوضاع، از طریق تبلیغ و پلانقرم کردن آنها نمی گذرد بلکه از راه دخالت در سیاست و مسائل سیاسی مطرح شده در جامعه به انجام میرسد.

باید توجه داشت که این ایرادت به حزبی وارد است که به نسبت بعضی از جریانات از موضع چپ تر و سیاسی تر و با برنامه تری در آن دوره ظاهر گردید. مواضع حککا، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، حزب کمونیست ایران و گروه مبارزان کمونیست و بسیاری از فعالین و شخصیت های پراکنده کمونیست با وجود اختلافات شان با هم، در قطب چپ ترین ها جا گرفتند. اما در مقایسه ای نزدیک از چگونگی فعالیت این جریانات، حککا تفاوت های جزئی با بقیه داشت و در این دوره بیشتر بر جسته گردید. علت این بود این حزب استراتژی مشخص داشت و این استراتژی بمثابة قطب نمایی بر فعالیت هایش موثر واقع شد. استراتژی انقلاب با همه نواقص و نقدهایی که بدان وارد است، توانست جهت و انسجام نیم بندی را به فعالیت های این حزب بدهد و این نکته قابل تعمقی است. بقیه نیروها به این استراتژی نقد داشتند بدون اینکه استراتژی و آلترناتیوی طرح کنند و در نتیجه در موضع مخالفت خوانی با این حزب باقی ماندند و نتوانستند از آن جلو بزنند. جای سوال است، آیا سازمانهای چپ این تجارب را در نظر میگیرند، به خلاء استراتژی در فعالیت خود پی خواهند برد و قادرند جامعه و مسائل سیاسی آنرا مینا حرکت خود قرار دهند؟

حزب کمونیست کارگری "حکمتیست" خارج از این دایره قرار داشت و با لجن پاشیدن به تحرکات اعتراضی مردم و زدن مهر سبز بر آن در قطب راست ترین نیروها جا گرفت. این حزب در این رابطه معین بمثابة دنبالچه تبلیغی رسانه های بورژوائی عمل کرد. آن تحولات این حزب را به حاشیه راند و از نظر عملی با تناقضات جدی روبرو کرده است. این حزب گسترده ترین جنبش اعتراضی 30 سال اخیر مردم، رادیکالترین، توده ای ترین آن را به جناحی از رژیم (جناح سبز) منتسب کرد. از موضع "چپ" و "سوسیالیست"ی به جنبش اعتراضی مردم برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی پشت کرد و موضع شبه توده ایستی گرفت. عملاً مبلغ سبز خواندن جنبش اعتراضی مردم، رهبر قلمداد کردن موسوی و کروی بر آن اعتراضات شد. موسوی و کروی هم همین را میگفتند و موفق نشدند و جنبش اعتراضی از آنها عبور کرد. خامنه ای و احمدی نژاد هم همین را گفتند و با وصل کردن آن تحرکات توده ای به سران سبز میخواستند رادیکالیسم آن اعتراضات را دور زده و در چهار چوب اختلافات درونی نظام اسلامی محصور کنند. همزمان با این موضع با بلند کردن پرچم "متعارف" بودن رژیم اسلامی غیر مستقیم اعلام کرد سرنگونی رژیم مطرح نیست و مبارزه برای آن بیفایده است. اضافه کرد غرب هم نمی خواهد این رژیم سرنگون بشود و غیره. غرب هم نخواهد فاکتور اصلی و معضل مشترک جمهوری اسلامی و غرب نخواستن مردم و جنبش اعتراضی آنها است. خیلی از دولتهای "متعارف" و مورد حمایت غرب در اثر اعتراض توده ای مردم ساقط شده اند و تازه ترین نمونه آن سرنگونی دولت بن علی در تونس است که در هفته گذشته روی داد. مردم در ایران تجربه سقوط رژیم متعارف شاهنشاهی را زیر فشار جنبش توده ای دارند. این حزب خودش حزب است، اما شرط تغییر در اوضاع را به تشکیل حزب کمونیست در میان طبقه کارگر وصل کرده است. به این ترتیب در قدم اول نفس وجود خود را به زیر سوال برده و خودش خود را جریان کمونیستی نمی داند. آیا این حزب به حزب "نقطه سر خط" تبدیل خواهد شد؟ آیا بر سر مواضع کنونی راجع به حزب کمونیستی، حزب و طبقه کارگر، جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی، جنبش های اعتراضی و رویدادهای سیاسی باقی خواهد ماند؟ علاوه بر اینها تا کنون در مواردی علاقه زیادی به مسائل محلی کردستان را از خود نشان داده و با معیار های ویژه و جداگانه ای به مسائل این منطقه بر خورد کرده است. اعتصاب عمومی انجام نگرفته در کردستان را اعتصاب عمومی خواند و بی تحرکی مردم در دوره اعتراضات را نشانه برخورد انقلابی و آگاهانه مردم در کردستان در مرزبندی با جریان سبز معرفی کرد. در همین دوره حزب کمونیست ایران و کومه له در اوایل موضع مشابه با این را داشتند و بدنبال نوساناتی آنرا تغییر دادند.

ادامه دارد

مجیدحسینی 23 دسامبر 2010

[majid.hosaini@gmail.com](mailto:majid.hosaini@gmail.com)

[k.mobarez@yahoo.se](mailto:k.mobarez@yahoo.se)

## لیست تظاهرات ها علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی شنبه ۲۹ ژانویه

تظاهرات علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی شنبه ۲۹ ژانویه لیست برنامه هائی که تا امروز توسط سازمانها و نهادهای مختلف منتشر شده است:

نروژ اسلو: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر مقابل سفارت جمهوری اسلامی و از ساعت ۲ و نیم تا ۳ و نیم در محل وزارت امور خارجه نروژ تلفن تماس: صابر رحیمی ۰۹۸۶۹۴۰۰۱

آلمان فرانکفورت: ۲۹ ژانویه ۲ بعدازظهر مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در 90 Raimundstraße

بنیبال تجمع در مقابل کنسولگری، در ساعت ۴ در مرکز شهر فرانکفورت (هاوپت واخه) نمایش فیلم و عکس تلفن های تماس: ۰۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶، ۰۱۵۷۸۷۴۹۷۲۳۱

برمن: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر محل: Marktplatz تلفن تماس: ۰۱۷۲۴۰۳۷۰۳۵

کلن: ۲۹ ژانویه، ساعت ۱ تا ۳ بعدازظهر مکان: dom platte

هامبورگ: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۱۲ ظهر، Glockengießerwall -(Hauptbahnhof (Nord) تلفن تماس: ۰۱۷۶۴۸۳۲۵۶۱۳ و ۰۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳

برلین: ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر، (U-Bhf، Kurfürstendamm Joachimstaler Platz) تلفن تماس: ۰۱۷۸۲۴۸۶۶۳۱۷

مونیخ: ۲۹ ژانویه، ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر، Opfer des Nationalsozialismus

کانادا تورنتو: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر محل: تقاطع یانگ و دانداس، مقابل در اصلی ایستون سنتر آدرس و تلفن تماس:

[wpicanada@yahoo.com](mailto:wpicanada@yahoo.com) آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

9321 726 416

ونکوور: ۲۹ ژانویه، زمان: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ بعدازظهر، مقابل آرت گالری ضلع رابسون تلفن تماس: ۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶

اتوا: ۲۹ ژانویه، ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر مقابل پارلمان اتاوا تلفن تماس: داود آرام ۶۱۳۸۵۹۷۹۲۹

سوئد: مالمو: ۲۹ ژانویه ساعت ۱ تا ۳ بعدازظهر محل: Davidhallsbron تلفن تماس: 0703171102 , 88 80 63 0703

استکهلم: ۲۹ ژانویه ساعت ۲ تا ۴ در میدان سرگل تلفن تماس: ۰۷۳۷۸۰۱۵۱۰

یوتبری: ۲۹ ژانویه، جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع خواهد رسید. تلفن تماس: ۰۷۰۸۵۴۴۵۲۹

بوروس: ۲۹ ژانویه ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر، Stortorget تلفن تماس: ۰۷۳۷۵۹۸۵۶۶

برای اطلاعات بیشتر درمورد تظاهرات های سوئد میتوانید با شماره تلفن افسانه وحدت ۰۷۰۲۴۶۸۴۵۴ تماس بگیرید.

انگلیس: لندن: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر، میدان ترافالگار مقابل نیشنال گالری (Trafalgar Square, North Terrace (outside the National Gallery) هلند دنهاخ: جمعه ۲۸ ژانویه، ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر مقابل پارلمان هلند تلفن های تماس: بهمین خانی: 0651273261، یلدا بیرام: 0650994005

افغانستان کابل، هرات، مزار شریف و قندهار: ۲۹ ژانویه در تماسی که با مسئولین حزب همبستگی افغانستان داشتیم، اطلاع دادند که روز ۲۹ ژانویه در چهار شهر کابل، هرات، مزار شریف و قندهار علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی در ایران تظاهرات خواهند داشت. جزئیات این تظاهرات ها بعدا به اطلاع خواهد رسید.

آمریکا واشنگتن: ۳۰ ژانویه، از ساعت ۱۲ تا ۳ بعدازظهر، درمقابل "دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی در" (ویسکانسین اونیو، واشنگتن) تلفن تماس: ۳۰۱۷۹۲۳۳۷۰ و ۲۴۰۴۷۲۹۵۶۵

[hmassali@aol.com](mailto:hmassali@aol.com) آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

[maria.rohaly@gmail.com](mailto:maria.rohaly@gmail.com) آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

سانفرانسیسکو: ۲۹ ژانویه، ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر Union Square

کردستان عراق سلیمانیه: ۲۹ ژانویه، جزئیات بعدا به اطلاع خواهد رسید.



## مبارزان کمونیست:

شنبه ۲۹ ژانویه روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام است.

۲۹ ژانویه روز اعتراض به اعدام و علیه اعدام هایی است که در چند ماه گذشته رو به فزونی گذاشته و این روز، روز دفاع از آزادی زندانیان سیاسی میباشد که از طرف سازمان و احزاب و شخصیت‌های سیاسی - مدنی و اجتماعی اعلام شده است.

مردم معترض و انقلابی در ایران در این چند سال بیش از هر دوره ای با حمایت‌های مداوم، با اعتراض و تظاهراتی خود به قیمت ریسک سرکوب، در اشکال مختلفی به دفاع از زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام بر خور شده اند.

جامعه ایران و مردم آزادیخواه و مبارز در مقابل اعدام و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی ساکت نیستند. اعتراض و مبارزه این جامعه به حمایت بین المللی و گسترده ای نیاز دارد. امروز روزی است که باید در جهت تحکیم اعتراض مردم علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی صدای مردم را به گوش افکار عمومی در دنیا برسانیم. جواب شایسته ما به جامعه معترض به اعدام در روز ۲۹ ژانویه که از طرف احزاب و سازمان های سیاسی بعنوان روز اعتراض به اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شده است، تجلی بخش یک کارزار و کمپین بین المللی و هماهنگ علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی است.

امروز افکار عمومی در سطح دنیا، مدیا و دولتها و مراکز و نهادهای مدافع حقوق انسان و مخالف اعدام در مقابل اعدام و موج دستگیریهای وسیع در ایران بیش از هر دوره ای عکس العمل بجا و موثر از خود نشان داده اند. ما باید روز ۲۹ ژانویه را با برپایی تظاهراتی گسترده در حمایت از مردم ایران، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی به کارزار و کمپینی موثر تبدیل کنیم. پیش شرط موفقیت ما در گرو شرکت وسیع و توده ای در این تظاهراتها میباشد.

مبارزان کمونیست، ایرانیان خارج از کشور را فرا میخواند که در این تظاهراتها وسیعاً شرکت کنند. شرکت وسیع ما در تظاهرات و میتینگهای توده ای و گسترده می تواند پیش درآمد اقدامات وسیع تر و جمعی تر مخالفین جمهوری اسلامی علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و تقویت رادیکالیسم انقلابی برای سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی باشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مجازات اعدام ملغی باید گردد

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مبارزان کمونیست ژانویه ۲۰۱۱

لیست احزاب، نهادها و فعالین سیاسی که تا این لحظه برای تظاهرات ۲۹ ژانویه فراخوان داده اند:



کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمیته بین المللی علیه اعدام

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست ایران

مبارزان کمونیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

ایران سولیداریتی

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن در ایران

شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه در کانادا (VDLC)

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

ادامه در صفحه 7